

نگاه روز

آموزش صلح در سایه قانونمداری

سکینه محمدی | آموزش صلح و صلح‌جویی یک خورسته فطری مانند زیبایی دوستی و نیاز به پرورش است مفهوم صلح‌جویی در مکاتب فلسفی شاید تعاریف متفاوتی داشته باشد اما در جهان کودک و افکار او صلح یعنی احساس امنیت و آرامش ناشی از آن یعنی رسیدن به خواسته‌هایی که حق خود می‌داند بدون درگیری و تنش یا اطرافیان مدرسه به عنوان اولین مکان اجتماعی که کودک در آن قرار می‌گیرد به عنوان دروازه‌ای به سوی آموزش و پرورش است. آموزش مهارت‌های زندگی اجتماعی نقش بسزایی دارد که هیچ‌کس منکر آن نیست. به‌طور معمول ورود به هر محیط جدید با سختی‌هایی همراه است که این سختی شامل همگون شدن با محیط، درک شرایط و قبول قوانین محیط جدید است. اگر این وارد شدن به محیط جدید اولین تجربه جدا شدن از آسایش و پناهگاه عاطفی خانواده باشد، دشوارتر می‌شود. هرچند این جدا شدن شاید فقط چند ساعت طول بکشد، با این حال اگر کودک پیش از ورود به مدرسه تجربه جدا شدن از خانواده نداشته باشد سخت‌تر با این استقلال کنار می‌آید و دیرتر خود را با محیط سازگار می‌کند.

در گام اول وظیفه آموزگار تشریح شرایط کلاس و محیط جدید و بیان قوانین کلاس است که کمی به سخت‌نظر می‌رسد چون کودک از اول زندگی تحت قوانین خاصی خانه خود بوده و درک شرایط جدید بدون شک برایش کمی دشوار است ولی به‌رحال باید دانش‌آموز این اطمینان را به‌طور زبانی در کلاس که کند که این آموزش و پرورش فقط در محیط آرام امکان‌پذیر است. بعد از بیان قوانین کلاس که شامل تمامی حدود و اختلالات تکالیف و حقوق فرزند است تعاضی کلاس است. معلم با ایجاد رابطه بر پایه مهر و دوستی او را ملزم به رعایت این قوانین می‌کند.

تجربه‌یاد کرده کلاسی که احترام به حقوق و قوانین بر گزار شود و معلم همواره کنترل نظم را در کلاس در اختیار داشته باشد کمتر دچار تنش و پر خشک‌تری می‌شود اما گاهی مشکلات فراستر از دیوارهای کلاس است. برای مثال دانش‌آموز به حقوق دیگران احترام نمی‌گذارد و باعث ایجاد تنش در کلاس می‌شود که گاه این مشکل ناشی از زیاده‌خواهی دانش‌آموز است و گاه از مشکلات خانوادگی و اجتماع سرچشمه می‌گیرد. در این شرایط وظیفه معلم بر گرداندن آرامش به کلاس است که فقط با درایت و هوشمندی عملی می‌شود. معلم باید با استفاده از تجربیات و مهارت‌های تخصصی خود و همکاری با سایر اعضای کلاس به دنبال این باشد که کلاس به فضای امنی برای انتقال مفهوم ارزشی صلح و نوع دوستی به دانش‌آموز تبدیل شود. دانش‌آموز باید با روش‌های هوشمندانه به او تفهیم کرد که زندگی اجتماعی همراه با آرامش مستلزم حفظ و رعایت قوانین است حتی اگر اجزای بعضی از این قوانین ما را متضرر کند یا مجبور شویم از حق خود در بعضی موقعیت‌ها کوتاه بیاوریم. اگر صلح طلب از آسایش و هوسهای بی‌هدف در قبال داشتن آن زحمت بکشیم، خود را با مصالح جامعه تطبیق بدهیم و به قوانین گردانیم، محیط بی‌ترکی به‌نام جامعه هیچ‌گاه در یک فرد خلاص نمی‌شود. مجموعه‌ای از افراد با روحیات و اعتقادات مختلف جامعه از تشکیل می‌دهند. در این میان جامعه‌ای که مستثنی به قانونمداری شکل گرفته باشد، مرور زمان افراد زیاده‌خواه و قانون‌گریز را حذف می‌کند و فرد خلی است که در پایان متضرر شده است.

دروغ همه قوانین کلاس نمره‌یابی برای نونهالان اجتماع است که خود را با اجتماع وفق دهند، قانونمدار باشند، به حقوق متقابل افراد احترام گذاشته و آن را رعایت کنند و در موقعی که حق‌شان تضییع می‌شود، بتوانند از خود و حقوق دفاع کنند. شرایط یک کلاس ایده‌آل می‌تواند در رسیدن به تمامی این اهداف کمک کند اما گاهی در کلاس دانش‌آموزانی حضور دارند که از مشکلات خانوادگی یا شخصیتی رنج می‌برند این دانش‌آموزان را با معرفی به مراکز مشاوره فردی و خانوادگی می‌توان کمک کرد. یکی معلم با تجربه و دلسوز با تدبیر و انگیزه‌های عالی می‌تواند مفهوم صلح و صلح‌جویی را به دانش‌آموزان آموزد. اما این آموزش از آن جهت است که در زندگی واقعی و در روابط اجتماعی و سیاسی و حرفه‌ای فرد مؤثر در روند جریان‌ها و پویایی و در راستای صلح جهانی پرورش یابند.



نارگی بی‌توجهی به جای روشنایی شفت کی بی‌حسن انوشه

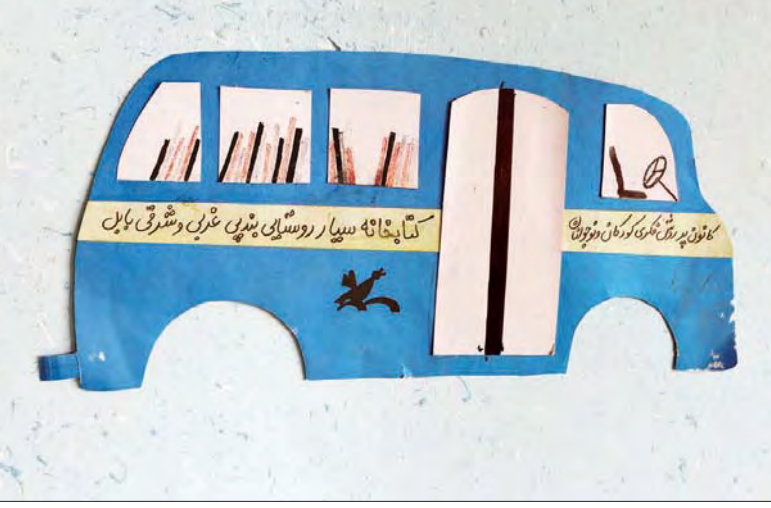
فکرهایی که باید کرد زندگی روزمره در یک کشت‌و‌کوی اجتماعی با کیوان ساکت، موسیقیدان

گزارش سفری با کتابخانه سیار کانون پرورش فکری

در منطقه بندپی شرقی و غربی

کتاب

چراغ جادوی کودکان روستایی



دریچه

مرز بین کار صنفی و کار سیاسی کجاست؟

حمزه علی نصیری | مدیر بازنشسته

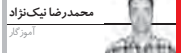
بلکه سخن از فاجعه فقر در میان توده مردم بویژه طبقه ضعیف و فقیر متوسط است که دامنه آن گریبان مدرسه را نیز می‌گیرد و با وقتی می‌گوید: «در من این است که گوتم می‌خواند از اولیا بگیرم ما از رسانه‌ها جاسوس می‌زنند که حق ندارم از کسی پول بگیرم»، برده برداشتن از کسب و تیونگ و از ناسان در دستگاری است که به رسالت می‌گوید: «در من دل بستن است!» وقتی می‌گوید: «در من وجود کجرا و سرمایه ملکت را بی‌رحمانه می‌بلند!» آنگاه که از فضاهای آموزشی محقر و فقر زده و فاقد جنبه شکوه می‌کند و از نگاه‌های سرد و نخره‌آلود و حضور بی‌انگیزه و منفعل و رفتارهای خشن و بی‌ملاحظه دانش‌آموزان گفتمند است، از وقوع طوفان قیام در خط مقدم دانش و اندیشه خبر می‌دهد و مدعی است سکانداری دستگاره اولیاء و تربیت را به ساراندیشی فراموش کرده است. وقتی که از کودکان بازمانده از تحصیل و کودکان کار و بی‌مادهای خصوصی‌سازی

نمی‌گردد. اما در این میان بسیاری از معلمان در دهایی می‌نایند که فراتر از چارچوب خواسته‌های مادی و معیشتی بوده و درگیر برنده باستانه‌های یک مدرسه استاندارد و غنی است و به عبارتی از درهای سخن می‌گوید که سازمانی و حتی فراسازمانی و اجتماعی است. آنجا که می‌گویند: «در و دفعه ما فقط پایین بودن حقوق و مستمندی و تبعیض‌های نازوا نسبت بلکه کاستی‌ها و کمبودهای مدرسه نیز بخشی از الام ماست، ما چیزی از مدرسه‌ای و مدرسه بخشی از بیکر و جان ماست، محرومیت دانش‌آموزان از فضای آموزشی غنی و استاندارد کلاس است و اندیشه و درد ماست، مؤید پیش و بسع و اندیشه بلند و مترقی و فرامادی و فرامعیشتی معلمان است و حاکمی از وجود درد است که از بیاد فقر در مدارس و فقدان استانداردهای آموزشی، بر جان و روانش عارض می‌شود. و اینها همان است که در مدرسه می‌آید به جای پرداختن به مسائل درسی و اسیباطی فرزندان خود سفره دل بازی می‌کند و از بیکاری و ننداری می‌بالند و از حقوق قانون کار ۷۰۰۰ تومانی اجاره‌خوار می‌کنند و هزینه‌های گریزناک زندگی خود می‌زنند و قسه فرسمازی از فرزندان را برایم تعریف می‌کنند که حرکتشان سیاسی نیست و با هیچ نهاد و گروه سیاسی خط و منشی

مدارس و شهر به‌های سنگین و غیر قانونی حرف می‌زند، عملاً پا فراتر از محدوده دغدغه‌های معیشتی خویش گذاشته و از گمشده‌ای برتر گردن سبخت می‌زند، وقتی از فقدان فرصت آندیشه‌ورزی و تجربه‌اندوزی در برنامه آموزشی قلم می‌فرساید، وقتی از سابه سنگین سیاست بر تمام نشوین تعصب و تربیت می‌نال، وقتی با مجبور و مغول ماندن آموزه‌های علمی، کاربرد سخن می‌گوید، در واقع رسالت خفیر مسئولان ارشد دستگاه تعلیم و تربیت را بی‌اداری و نهادهای صاحب نفوذ و برنامهریزی آموزشی را به رعایت افعال و تجدیدنظر در مواضع رویت خود فرامی‌خواند و سیاست‌زبان را از جولان در عرصه آموزش و پرورش برحذر می‌دارد. این همه شکوه و ناله و گلابه و کنایه و مطالبه اولاً حاکمی از انباشتنی مشکلات متعدد در دستگاره آموزش و پرورش است که طی سالیان دراز به هم درآمده است و تا کارآمدی مدارس و سیاست‌های دانش‌آموزان و ناراضی‌نیت معلمان را رقم زده است. ثانیاً بیانگر معرفت عینی معلمان نسبت به ماهیت آگاهی‌بخشی غلط خود و اشتباهی آنها با گستره وسیع رسالت خویش و حساسیت‌شان نسبت به سرنوشت جامعه و مردم است.

نگاه فرهنگی

آموزش و پرورش جنگو صلح ذهنی!



محمد رضا نیک‌زاد آموزگار

در دنیایه ایستادمانه بونسکو آمده است که چون جنگ‌ها نخست در ذهن انسان‌ها شکل می‌گیرند دفاع از صلح نیز باید در ذهن انسان‌ها شکل گیرد. همان تکمیل در درست بودن این گزاره‌ها و اگر می‌باشد، همواره در جهان کنونی که مستیزه‌جویی بافتی می‌شوند که مخالف فکری عقیدتی خویش را تنها به‌خاطر اختلاف ذهنی به‌خشن‌ترین شکل ممکن از یاد می‌آورند آنچه که امروز جهان اول، دوم و سوم می‌شناسد، همین جنگ‌های ذهنی به عینی تبدیل شده است که در بازیگ دهها مهاجر جسون را در یک اردوی حزبی به خاک و خون می‌کشند و در آمریکا اروپا استرالیا، آفریقا و هر چند گاهی بیرون برخی آسین‌ها، مخالفان عقیدتی خویش را از میان برمی‌دارند و البته در عراق افغانستان سوریه و روانه صدها انسان بی‌گناه را به کام مرگ می‌کشند اما برش این است که چه باید کرد تا سفرش بونسکو را اویزه گوش کرد و دولت‌ها و ملت‌ها را به سوی بردن جای کاشتن تخم کین و جنگه لاهل دانشین و ناسلی صلح را کاشند و دانشت و بداندشت کرد! آموزش و پرورش و مدرسه در این راه در کجا ایستاده است و در کشور ما آموزش در چه جایگاهی قرار گرفته است؟

در دهه‌های گذشته یکی از مهم‌ترین هدف‌های آموزش در جهان نوبن، آموزش‌های شهروندی و انشایی مامهرت‌های زندگی فردی و اجتماعی به ناموزان امروز و شهروندان فردا بوده است. مدرسه دومین نهاد اجتماعی است که شهروندان آینده در آن زیست‌جمعی - به دور از مهر خشواده - را تجربه می‌کنند و بنیان‌های زندگی در جامعه‌های کوچکتر از اجتماع واقعی را می‌آموزند. این جاست که ناموزان برای نخستین‌بار باید حضور، رفتار، گفتار، اندیشه و جان و ن دیگری را تاب آورد و همین‌جاست که برای رسیدن به هدنی یکسان، چه فردی چه گروهی، باید همدل و همراه و همکار دیگری شوید. آموزش مدارا با اندیشه گفتار و کردار فرد را جامع مخالف می‌یابد است از پایه‌های بنیان سطح آموزش آغاز شده در درازای دوران آموزش، نابه‌سن و پایه و نوابی‌های ذهنی ناموزان، گسترش و زرقا باید و باز از این روست که شازده نهاد آموزشی جهانی در نخست سالانه سران کشورهای جهان در نیویورک در سفارش نامه‌ی، بر حق بر خورنداری از آموزش کیفی تأکید کرده و شاخص‌های آن، بر این‌جهت شملر ده‌باید گریز در یک رویکرد کومه‌بنیانه، اندازه‌گیری نتایج آموزش در حساب و سوسوموزی دانسته می‌شود که می‌تواند به کنار گذاشتن ابعاد اصلی کیفیت و دست‌کم گرفتن موضوعات و مهارت‌های ضروری ارزش‌ها و روابطی همچون خلاقیت، کنجکوی اندیشه، سنجش‌گرانه، جامع‌اندیشی، هستیگی، همکاری، خود - چیزگی، اعتمادنفیس، سواولیت گروهی، گفتگو، حکومت، همدلی و دلسوزی، شجاعت، خوداگاهی، نرم‌ش‌پذیری، خود - رهبری، فروتنی صلح و هماهنگی با طبیعت، بینجامده، برکسی پوشیده نیست که شاخصه‌های برشمرده شده، زمینه‌های آموزش دانی و توانایی و صلح‌جویی و مدارا و تحمل آندیشه مخالف، آفرام خواهد کرد. بی‌گمان با اجزایی گردن آموزش با کیفیت آندیشه‌ها برای مدارا و یادگیری و تحمل تفاوت با آنها، آماده شده می‌توان صلح را در آندیشه‌ها جایگزین جنگ و دشمنی و خوربوری کرد. اما چه که در ساختار آموزشی بسیاری از کشورها و بیرون‌داهای آنها، به‌مثابه دانش‌آموختگان است. دیولسانت، نبود چنین آموزش‌هاگن اولی - کشور ما نیز به‌خاطر فراموش‌یابی روش‌ها، در میانه‌ها ابزارها و هدف‌های سنتی، همچنان در آموزش‌های شهروندی و پرورش آندیشه‌مدارانه که ساختار صلح و مدارا در نهادن، نپایه‌ی شده، نمانده تا ناکم است هنوز هم در فرهنگ آموزشی کشور، کامیاب‌ترین مدرسه، مدرسه‌ای است که به‌بیشتر در صدد قبولی سالانه از راه همد و کامیاب‌ترین آموزگار، آموزگاریست که به دانش‌آموزان آندیشه‌های گوناگون و گوناگون‌ترین سرنوشتی را بیاموزد و برخشان برین دانش‌آموز است که می‌پزیند به‌درد در کشور به‌درد است و درو میانه سرنوشتی خود و دیوانه‌اندن شدن چنین دانش‌آموزی شاید دارای هوش فردی (IQ) خوبی باشد اما بی‌گمان هوش اجتماعی‌اش (EQ) را در نداشتن نپایه‌ی نشده است. اکنون ساختار آموزش‌های پیشرو و هماهنگی کرن مجرهای آموزشی، یعنی ساختار، در نمانده، روش‌ها و مامهرت از همه معلمان، بخش فراوانی از بودجه، انرژی و امکانات خویش را در راستای افزایش هوش اجتماعی و جامعه‌پذیری دانش‌آموزان به کار برده و زمینه‌ی‌یادآوری شهروندی‌شان را فراموش کرده است.

اقدام در صفحه ۱۰

اقدام در صفحه ۱۰